

تغییر سیمای حسابداری در عصر سلطه فناوری اطلاعات

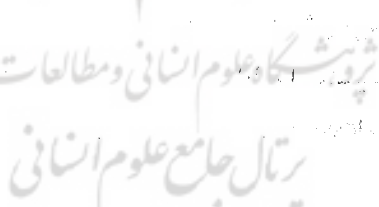
ترجمه و تلخیص:

دکتر محمد عرب مازاریزادی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهیدبهشتی

سیستم‌های حسابداری در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، با چالش‌های متعددی مواجه شده است. این سیستم‌ها باید بتوانند با تغییرات مداوم در محیط کسب و کار، تطبیق پیدا کنند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به افزایش حجم داده‌ها، پیچیدگی فرآیندها، نیاز به شفافیت بیشتر و همچنین تغییر در نیازهای کاربران اشاره کرد. در این مقاله، به بررسی این تغییرات و راهکارهای مقابله با آنها پرداخته می‌شود.

سیستم‌های حسابداری در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، با چالش‌های متعددی مواجه شده است. این سیستم‌ها باید بتوانند با تغییرات مداوم در محیط کسب و کار، تطبیق پیدا کنند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به افزایش حجم داده‌ها، پیچیدگی فرآیندها، نیاز به شفافیت بیشتر و همچنین تغییر در نیازهای کاربران اشاره کرد. در این مقاله، به بررسی این تغییرات و راهکارهای مقابله با آنها پرداخته می‌شود.



امروز صبح اتفاق افتاده و نه آنچه یک یا دو ماه قبل رخ داده دسترسی داشته باشند!

فناوری اطلاعات همچنین انتظارات کاربران را به سوی دسترسی به داده‌های جامع‌تر به جای گزارش‌های استاندارد و تجمیعی در جریان گزارشگری مالی، سوق داده است. در نتیجه نارضایتی کاربران از مربوط بودن اطلاعات حسابداری مالی در حال افزایش است.

حسابرسان احتمالاً بیش از هرکس دیگری در میان جامعه حرفه‌ای حسابداری، خود را برای کنترل تغییرات سریع ناشی از فناوری اطلاعات آماده می‌کنند. حرفه حسابرسی از بسیاری جنبه‌ها ناامیدانه در تلاش است تا

در سال‌های اخیر که فناوری اطلاعات موضوع دسترسی آسان به اطلاعات را ممکن ساخته، تضاد فزاینده‌ای میان مدل‌های سنتی حسابداری و حسابرسی و انتظارات کاربران، پدید آمده است. در حالی که استانداردها دگذاران حسابداری بر خلوص فرایند گزارشگری از طریق افزایش قابلیت اعتماد اطلاعات، تأکید دارند، مربوط بودن اطلاعات حسابداری عمدتاً به خاطر فقدان به موقع بودن، در حال طی کردن روند نزولی مداوم است. ماهیت دوره‌ای بودن گزارش‌های حسابداری مالی در تضاد مستقیم با نیاز آن دسته از تصمیم‌گیرندگان مالی است که خواست و انتظارات آنان حکم می‌کند که به اطلاعاتی در مورد آنچه دیروز یا همین

فرارسیده که دست بردارند از تحقیقاتی که رایانه‌ها را دور می‌زند و بشناسند آنچه را که شرایط روز ایجاب می‌کند. فناوری اطلاعات باید امروز یک پای ثابت و جزء کلیدی همه تحقیقات باشد. این بدان معنی است که به جای دور زدن رایانه‌ها و تلقی آنها به عنوان جعبه سیاه، باید آنها را درونکاوی کرد.

در ادامه این بحث به پنج موضوع یا قلمرو مهم اشاره می‌شود. بخش اول که در این شماره از ماهنامه ارائه خواهد شد، به مروری بر نحوه تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) اشاره دارد که به تغییراتی حتمی در حسابداری و حسابرسی می‌انجامد. بخش دوم بر چالش‌هایی تمرکز دارد که این تغییرات در مدل حسابداری پدید می‌آورد. بخش سوم به چالش‌هایی می‌پردازد که باید با آنها در محیط حسابرسی مواجه شویم. بخش چهارم مروری عمیق‌تر بر موضوعاتی از فناوری اطلاعات است که گرچه الزاماً سبب تغییر در مدل‌های حسابداری و حسابرسی نمی‌شود، اما فرصت‌هایی را برای بهبود نحوه کار و تصمیم‌گیری در یک یا هر دو این زمینه‌ها به وجود می‌آورد. بخش پنجم و آخر این مقاله به ذکر پاره‌ای نتیجه‌گیری‌ها از مباحث قبلی اختصاص دارد، از جمله چشم‌اندازی از انواع تحقیقاتی را ارائه می‌کند که جامعه علمی تحقیقاتی لازم است به آن بپردازد تا نقش رهبری و پیشروانه خود را در کوران این تغییرات حفظ کند. بخش‌های دوم تا پنجم این بحث در شماره‌های آتی ماهنامه ارائه خواهد شد.

فناوری اطلاعات و تغییر مدل کار و کسب

بزرگترین عامل تسریع تغییرات در چگونگی انجام امور سازمان‌ها و شرکت‌ها در آینده، چیزی جز اینترنت نیست. مدیرعامل شرکت معروف اپتل زمانی ادعا کرده بود که ظرف پنج سال همه شرکت‌ها یا باید "اینترنت مدار" و یا از صحنه روزگار حذف شوند! گرچه ممکن است این ادعای کمی اغراق‌آمیز به نظر برسد اما مجله اکونومیست (۱۹۹۹)^۱ آن را خیلی هم دور از واقعیت نمی‌داند. اینترنت از آن رو که نحوه انجام امور شرکت‌ها را با تغییراتی شدید مواجه می‌سازد همه سازمان‌ها و شرکت‌ها را دچار نوسانات و بالا و پائین شدن‌های جدی کرده است. این تغییرات چیزی بیش

آنچه را در دنیای کسب و کار و امور مالی در جریان است دریابد. در چنین شرایطی حرفه، در حال تلاشی هماهنگ و مشخص برای پیشبرد امور و تطبیق خود با تغییرات سریع ناشی از تحولات فناوری اطلاعات است. این تغییرات را می‌توان به راحتی در فرایندهای مهندسی مجدد شده حسابرسی دید که بیش از هر چیز بر فرایندهای کسب و کار و سیستم‌های اطلاعاتی وابسته به آن متمرکز شده‌اند؛ سیستم‌هایی که تولید اطلاعات مالی و کسب و کار را برعهده دارند. از آنجا که این فرایندهای مهندسی مجدد شده می‌توانند مسائل تازه‌ای مثل سازوکارهایی برای گزارشدهی به موقع‌تر را مطرح کنند، تمرکز فرایندهای حسابرسی باید بر بهبود فرایندها و راهبردهای کار و کسب و قابلیت اتکای سیستم‌های اطلاعاتی مسئول گردآوری و ثبت اطلاعات مالی باشد. این تغییرات در فرایند حسابرسی نشانگر دو تغییر کلیدی در محیط کنونی فعالیت‌های تجاری است: (۱) فناوری اطلاعات شرکت‌ها را قادر ساخته تا بر مزیت‌های رقابتی کلیدی خود متمرکز شده و سایر فعالیت‌های خود را به شرکای تجاری خود واگذار کنند؛ که در آن قلمروها، دارای مزیت رقابتی بیشتری هستند، و (۲) مدل گزارشگری مالی باید به مدل گزارشگری مستمر نزدیک شوند و اطمینان نسبت به این سیستم را تنها از طریق تمرکز بر قابلیت اتکا به سیستم‌های تولیدکننده این اطلاعات می‌توان به دست آورد. تأثیر نهایی این موضوعات، فرصت بی‌نظیری است که برای محققان حسابداری، مخصوصاً افرادی دارای تخصص سیستم‌های اطلاعاتی پدید آمده است. اساتید حسابداری در گذشته بخش عمده‌ای از خود را صرف تحقیقات مرتبط با نتایج عملیات مالی کرده‌اند تحقیقاتی که بر تأثیر رویدادها بر بازارهای مالی و یا بر توضیح چگونگی به‌کارگیری اطلاعات مالی توسط تصمیم‌گیرندگان، متمرکز بوده است. تغییرات کنونی برای محققان حسابداری فرصت کسب موقعیت رهبری را از طریق تولید تحقیقاتی پدید آورده است، که فراهم کننده جهت‌گیری‌های معناداری برای تحول در نحوه عمل حسابداری و حسابرسی است. تصاحب این فرصت‌ها به طور ضمنی این معنی را هم دارد که استادان حسابداری باید به فکر افزایش میزان مربوط بودن تحقیقات خود نیز باشند. برای انجام درست این مهم، اکنون وقت آن

از حرکت به سمت تجارت الکترونیک است. همراه با تجارت الکترونیک، اغلب تغییرات عمده‌ای در فرایندهای انجام کار و فرهنگ سازمان‌ها نیز پدید آمده است.

تغییرات پیش برنده و عمده در مدل کسب و کار عبارت از کاهش قابل ملاحظه در بهای تمام شده در تمام زنجیره ارزش، توانایی بهبود جدی در روابط با مشتریان، فرصت نفوذ به بازارهای جدید، و یک بازتعریف کلی از چگونگی روابط مشارکت جویانه با سایر شرکت‌ها و سازمان‌هاست. آن طور که اکونومیست (۱۹۹۹) در آستانه هزاره جدید اشاره کرده، اگر شرکتی ظرف پنج سال اقدام به استفاده از اینترنت در بهره‌گیری از یک یا چند مورد از فرصت‌های پیشگفته در جهت ارتقای وضع موجود خود نکند، توسط رقبا از صحنه حذف می‌شود.

برای درک اهمیت این تغییر، کافی است نگاهی به رشد مورد انتظار در تجارت میان شرکتی یا اصطلاحاً B2B بیاندازید. براساس پیش‌بینی نشریه اکونومیست، تجارت اینترنتی میان شرکت‌ها از رقم ۴۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ باید به حدود ۱/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ می‌رسید که البته در واقع از این رقم نیز فراتر رفت. تنها در ایالات متحده براساس پیش‌بینی گروه مشورتی بوستون^۲ حجم این معاملات به رقم ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ بالغ می‌شد.^۳ این ارقام صرفاً مربوط به تجارت کالاهاست و خدمات ارائه نشده از طریق اینترنت را در برنمی‌گیرد. بخشی از این رشد به خاطر جابه‌جایی تجارت و مبادلات موجود به اینترنت است که در آن هزینه مبادله بسیار کمتر از سایر روش‌هاست و طول زمان چرخه پردازش معاملات نیز کاهش می‌یابد.

محرك دیگر برای این رشد تجاری، ناشی از واقعیات انجام امور تجاری در محیط پرسرعت و کم هزینه اینترنت است. این که انعقاد قرارداد با یک شریک تجاری برای انجام امور تولیدی یا فعالیت‌های اداری بسیار ارزان‌تر از زمانی است که بخواهیم آن را خود در داخل شرکت انجام دهیم. این امر در تطابق با فلسفه نوین کار و کسب یعنی تمرکز بر مزیت‌های رقابتی کلیدی نیز هست. به بیان دیگر، آنچه را که خود بهتر از دیگران انجام می‌دهید، انجام دهید و بقیه کارها را به دیگران واگذار کنید.

این مدل تازه کسب و کار بعضاً اثربخش هم هست زیرا سازمان‌ها به ضرورت کم کردن برخی کنترل‌ها و محافظت از اطلاعات داخلی، وقوف یافته و این نکته را درک کرده‌اند که با باز کردن راه مشتریان و سایر طرف‌های تجاری برای دسترسی به سیستم‌های داخلی شرکت، میزان رضایت مشتریان بهبود یافته و هزینه‌ها را نیز می‌توان کاهش داد. از ناحیه مشتریان نیز سازمان‌ها با استفاده از اکسترانت (شبکه‌های بین شرکتی) و پورتالها (کانال‌های دسترسی)، به مشتریان خود امکان دسترسی به اطلاعات در مورد سفارش‌های در دست اقدام و یا در بعضی موارد، تعیین اقلام خاص در دست تولید را می‌دهند. در مورد ارائه‌کنندگان خدمات یا تأمین‌کنندگان مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز شرکت‌ها، دسترسی به سیستم‌ها و اطلاعات درون شرکت، می‌تواند این امکان را در اختیار آنها بگذارد که سطح موجودی‌های شرکت و سطح سفارشات و تولیدات را ردیابی کرده و زمان لازم برای حمل محموله مواد و کالا برای شرکت را به درستی تعیین کنند. شرکت‌ها دیگر نه تنها ناگزیر از به‌کارگیری افراد برای پاسخگویی به حجم انبوه خواسته‌ها و سؤالات مشتریان نخواهند بود بلکه با کاهش تعداد کارکنان لازم برای انجام امور سفارشات مشتریان، نسبت به کاهش جدی هزینه‌های خود مبادرت خواهند کرد.

در حالی که جایگاه و نقش آشکار ره‌آورد مهم فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات یعنی اینترنت را به عنوان عامل اصلی تغییر در مدل کار و کسب نمی‌توان نادیده گرفت اما نمی‌توان منکر نقش برجسته سیستم‌های یکپارچه اطلاعات اداری و مالی "برنامه ریزی منابع بنگاه" (ERP)^۴ شد. به‌رغم همه داستان‌های دهشت‌آوری که راجع به برنامه‌ریزی منابع بنگاه برسر زبان‌هاست و یا در نشریات عامه‌پسند درج می‌شود، حتماً ۵۰۰ شرکت برتر مجله فورچون دلایلی دارند که سال‌ها وقت (و صد البته صدها میلیون دلار از پول) خود را صرف استقرار چنین سیستم‌هایی کرده‌اند. نرم‌افزار معروف SAP به تنهایی در ۲۰،۰۰۰ شرکت در سراسر جهان نصب شده است. آنچه در این میان نصیب شرکت‌ها شده، کارایی ناشی از یکپارچگی کامل اطلاعات و فرایندهای کار و کسب درون شرکت‌هاست.

مراتب فراتر از آن است که به صورت داوطلبانه توسط شرکت در وب سایت و از طریق صفحات وب انتشار یافته و در اختیار همگان قرار می‌گیرد. این که تنها صورت‌های مالی و مستندات گزارش‌های سالانه را از طریق اینترنت در دسترس ذی‌نفعان بگذاریم گام بسیار کوچکی در راه سیراب ساختن عطش سرمایه‌گذارانی است که هیجان‌زده در جستجوی اطلاعات جاری و روز دربار و وضعیت مالی، موقعیت رقابتی، و ظرفیت‌های آتی شرکت‌ها هستند. مدل جدیدی برای فروشنده این عطش لازم است.

1- A survey of Business and the Internet: The NetImperative. The Economist 1999; 26:1034.

2- Boston Consulting Group (BCG)

3- عرب‌مازار یزدی، محمد (۱۳۸۴)، گزارشگری مالی در عصر تجارت الکترونیک مجموعه مقالات همایش گزارشگری مالی؛ تحولات پیش روی انجمن حسابداران خبره ایران.

4- Enterprise Resource Planning(FRP)

5- Multi-Enterprise Resource Planning(MERP)

1- International Journal of Accounting Information Systems, 2000

گرچه برخی بر این باورند که دوره بازار پر رونق و بسیار شده‌های دورقمی برنامه‌ریزی‌های منابع بنگاه دیگر سپری شده اما نقش این سیستم‌ها در مواجهه با بحران سیستم‌های ماشینی در سال ۲۰۰۰ (بحران ۲۲K) و گذر شرکت‌ها از دوره آمادگی برای وارد شدن به هزاره جدید از سقوط بازار این سیستم‌های یکپارچه جلوگیری خواهد کرد. گرچه بازگشت به دوره طلایی رشد دورقمی بازار ممکن نخواهد بود اما ضرورت استقرار سیستم‌های یکپارچه قابل انکار نیست. آنچه برنامه‌ریزی منابع بنگاه انجام می‌دهد قرارداد همه اطلاعات سازمان در یک مخزن واحد مرکزی است، تا دسترسی به اطلاعات کلیدی برای شرکای تجاری (مشتریان، تأمین کنندگان کالا و خدمات و سایر طرف‌های تجاری شرکت) با سهولت بیشتری انجام می‌شود. استفاده از برنامه‌ریزی منابع بنگاه سبب می‌شود تا شرکت اقدام به یکپارچه‌سازی یا هماهنگی سیستم خود با سیستم آن دسته از مشتریان یا طرف‌های تجاری خود نماید. که از برنامه‌ریزی منابع بنگاه استفاده می‌کنند، چیزی که شاید بتوان آن را سیستم برنامه‌ریزی منابع چند بنگاهی (MERP)^۵ خواند.

اینترنت، فناوری توانمندساز برای این قبیل سیستم‌های چند بنگاهی است. در واقع بسیاری از عرضه‌کنندگان سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه توجه خود را بر کار و کسب الکترونیک متمرکز کرده و سیستم‌های خود را به شکلی طراحی می‌کنند که به سهولت قابلیت دسترسی و استفاده در فضای اینترنت را داشته باشند. این همان جایی است که می‌توان رشد آینده عرضه‌کنندگان سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه را در آن انتظار داشت.

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که این تغییر و تحولات چه ربطی به مدل‌های حسابداری و حسابرسی دارد؟ و چرا باید سبب تغییر این مدل‌ها شود؟ پاسخ مختصری به این سؤال آن است که سرمایه‌گذاران و بستانکاران هم شرکای واحد تجاری هستند. منطقی است که تصور کنیم به تدریج انتظارات آنها نیز برای دسترسی آسان‌تر به اطلاعات اساسی شرکت افزایش می‌یابد، همان اطلاعاتی که در داخل سیستم‌های اطلاعاتی درون شرکت نگهداری می‌شود. این انتظارات فزاینده برای چیزی به

تسلیم

جناب آقای ناصر سالار

قائم‌مقام بانک تجارت

با کمال تأسف فوت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده برای حضرتعالی صبر و شکیبایی و برای آن مرحوم علو درجات مسئلت می‌نمائیم.

انجمن حسابداران خبره ایران